

غیبت سناریوی تقابل نظامی با ایران در مفروضات بودجه نظامی رژیم



پیشگامان پیشرفت



جمهوری اسلامی ایران



مقدمه

تحولات ژئوپلیتیکی اخیر در منطقه، به‌ویژه تشدید تنش‌ها و درگیری‌ها میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، به‌طور فزاینده‌ای بر ساختار اقتصادی و بودجه عمومی این رژیم تأثیر گذاشته است. بررسی دقیق و موشکافانه این تأثیرات، به‌ویژه در حوزه بودجه نظامی، از اهمیت راهبردی بالایی برای دستگاه‌های سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. این تحلیل باهدف واکاوی چالش‌های فزاینده بودجه‌ای رژیم صهیونیستی در پی گسترش دامنه درگیری‌ها و شناسایی پیامدهای آن برای طراحی و اجرای راهبردهای ملی ایران صورت می‌پذیرد.

۱- تحلیل وضعیت بودجه رژیم صهیونیستی در پرتو تشدید درگیری‌ها:

ارزیابی فرضیات مندرج در پیش‌نویس بودجه ۲۰۲۵ (۱۴۰۴ شمسی) رژیم صهیونیستی که عمدتاً بر عدم گسترش دامنه درگیری‌ها فراتر از سطح سال ۲۰۲۴ بنا شده بود، در سایه تداوم و تشدید تقابل با ایران، به‌طور جدی به چالش کشیده شده است. این شرایط، لزوم بازنگری اساسی در فرضیات کلان اقتصادی و بودجه‌ای برای سال‌های آتی، به‌ویژه سال ۲۰۲۶ (۱۴۰۵ شمسی)، را اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

➤ روند افزایش بی‌سابقه بودجه نظامی:

یکی از مشهودترین پیامدهای این وضعیت، وارونه شدن روند تاریخی سیاست مالی رژیم صهیونیستی در زمینه کاهش سهم هزینه‌های دولتی از تولید ناخالص داخلی است. در پی جنگ غزه و ضرورت سرمایه‌گذاری‌های نظامی جدید، سهم بودجه نظامی از تولید ناخالص داخلی این رژیم از ۳.۹ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۸.۵ درصد در سال ۲۰۲۴ جهشی بی‌سابقه داشته است. هرچند وزارت دارایی این رژیم تلاش دارد این سهم را در سال ۲۰۲۵ به ۶.۲ درصد و در سال ۲۰۲۶ به ۵.۵ درصد کاهش دهد، اما حتی در سناریوهای خوش‌بینانه بانک





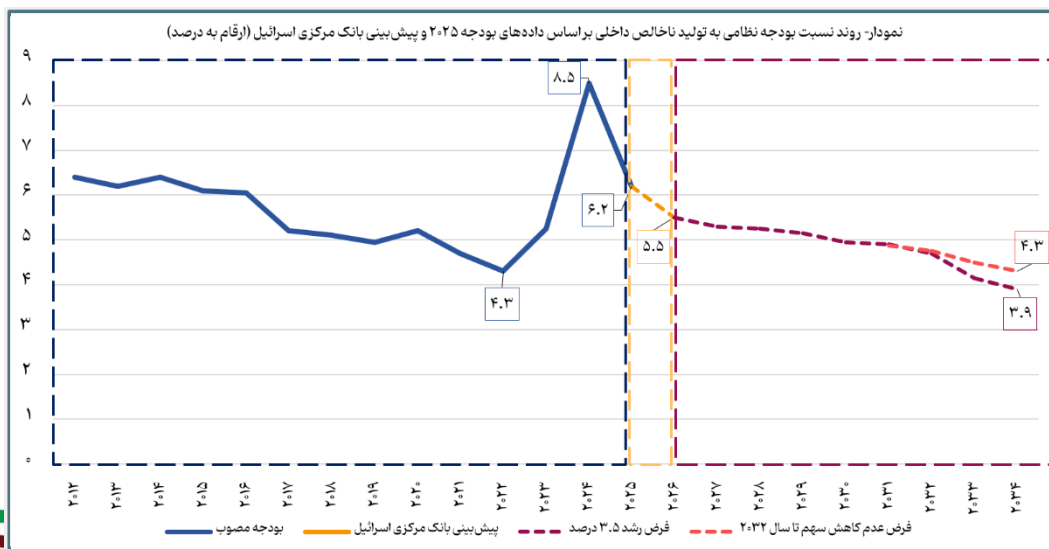
مرکزی این رژیم نیز، بازگشت به سطح ۳.۹ درصد پیش از بحران، مشروط به برقراری آرامش پایدار و تا سال ۲۰۳۴ امکان پذیر نخواهد بود.

➤ فشار بر بخش‌های غیرنظامی و تحلیل پیامدها:

مقایسه سهم بودجه نظامی پیش‌بینی شده برای سال ۲۰۲۵ (۶.۲ درصد) با سطح ۳.۴ درصد سال ۲۰۲۲ در سناریوی عدم جنگ، نشان‌دهنده افزایش ۲ درصدی است که معادل بار مالی اضافی حدود ۴۰ میلیارد شکل (تقریباً ۱۱.۲ میلیارد دلار) است. این بار مالی در شرایطی بر اقتصاد رژیم تحمیل می‌شود که هزینه‌های جاری در حوزه‌های اجتماعی، بهداشت و زیرساخت‌ها به شدت تحت فشار قرار دارند. تداوم کاهش سهم هزینه‌های غیرنظامی در مقایسه با سایر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، ضمن تضعیف ظرفیت‌های توسعه‌ای بلندمدت رژیم، به وخامت کیفیت خدمات عمومی و افزایش شکاف‌های اجتماعی منجر خواهد شد.

➤ پیامدهای کسری بودجه و عدم قطعیت مالی:

افزایش فزاینده شکاف میان درآمدهای دولت و هزینه‌ها، به‌ویژه در سایه عدم قطعیت ناشی از تداوم و گسترش جنگ با ایران، رژیم صهیونیستی را در معرض کسری بودجه مزمن، افزایش هزینه‌های استقراض و تأمین مالی، و تضعیف اعتماد سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد. این وضعیت، قدرت مانور اقتصادی و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری رژیم را در بلندمدت به‌طور جدی محدود می‌کند.



شناسایی دقیق این نقاط ضعف، از جمله وابستگی فزاینده به کمک‌های خارجی برای تأمین مالی بخش دفاعی، ناتوانی در جذب سرمایه‌گذاری‌های مولد داخلی و خارجی به دلیل ریسک‌های ژئوپلیتیکی، و کاهش انعطاف‌پذیری مالی در مواجهه با شوک‌های بیرونی، امکان طراحی راهبردهای هدفمند را فراهم می‌آورد. بهره‌برداری از این آسیب‌پذیری‌ها می‌تواند از طریق ابزارهای متنوعی نظیر فشار روانی - اقتصادی، تحریم‌های هوشمند و هدفمند بر بخش‌های استراتژیک، و اقدامات دیپلماتیک جهت محدودسازی جریان‌های مالی بین‌المللی به سمت این رژیم صورت گیرد. هدف نهایی این راهبرد، تضعیف توان مقاومت اقتصادی و راهبردی دشمن از طریق ایجاد فشار مداوم بر ظرفیت‌های مالی و اجتماعی آن است.

➤ **سنجش و ارزیابی تاب‌آوری بلندمدت رژیم صهیونیستی**

افزایش مستمر سهم هزینه‌های نظامی از تولید ناخالص داخلی، به طور مستقیم بر تاب‌آوری بلندمدت رژیم صهیونیستی در برابر بحران‌های ترکیبی نظامی و مالی تأثیر منفی می‌گذارد. این روند، ضمن کاستن از خوداتکایی اقتصادی و انحراف منابع از بخش‌های مولد، ظرفیت رژیم را برای مواجهه هم‌زمان با چالش‌های امنیتی و اقتصادی کاهش می‌دهد.

سنجش دقیق تاب‌آوری رژیم نیازمند تحلیل کمی و کیفی روند رشد ساختار هزینه‌ای، میزان ذخایر مالی در دسترس، سطح بدهی‌های عمومی و خارجی، و توانایی این رژیم در جذب منابع مالی اضطراری است. این ارزیابی باید شامل بررسی سناریوهای مختلف جنگی و تحریمی باشد تا میزان توان مقاومت و زمان‌بندی برای فروپاشی اقتصادی و اجتماعی این رژیم در شرایط بحرانی پیش‌بینی شود. نتایج حاصل از این سنجش، دست‌مایه‌ای برای بازتعریف موازنه ریسک - فایده در محاسبات دفاعی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران خواهد بود و به تمرکز بر اقداماتی منجر می‌شود که حداکثر اثربخشی را در کاهش پایداری و مقاومت بلندمدت دشمن دارا باشند. این تحلیل، همچنین، می‌تواند

در بازتعریف اولویت‌های راهبردی و تخصیص بهینه منابع در سیاست‌گذاری ملی ایران نقش اساسی ایفا کند.

این مجموعه توصیه‌ها می‌تواند در قالب یک چارچوب راهبردی یکپارچه به‌منظور تقویت توان دفاعی و دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

